**تحلیل پدیده کرونا از منظر قرآن کریم**

**نرگس طاهری[[1]](#footnote-1)**

**سارا طاهری[[2]](#footnote-2)**

# چکیده

بررسی حکمت‌های الهی در شیوع بیماری در جوامع انسانی از جهات مختلف به انسان‌ها کمک خواهد کرد تا با نظرگاهی صحیح نسبت به علل شیوع بیماری‌ها توجه کرده و در کنار رعایت نکات علمی و بهداشتی برای حفظ سلامتی خود، به ارتقاء صفات اخلاقی و تکامل راه سعادت نیز بپردازیم. یکی از مباحثی که به انسان‌ها در شناخت علل شیوع بیماری‌ها، از جمله بیماری همه‌گیر کرونا کمک می‌کند، شناخت ابعاد مختلف حکمت الهی و بررسی امتحان و ابتلاء الهی در آزمایش انسان‌هاست. در این میان فهم نقش افراد در چگونگی مواجهه با بیماری و تحمل آن نیز بسیار مؤثر است. پدیدارشناسی میکرو ویروس کرونا و گسترش فاجعه بار و باور نکردنی آن در سطح جهان، افکار و اندیشه‌ها را به خود معطوف ساخته است. این پدیده و سایر پدیده‌هایی که چهره قهرآمیز طبیعت را نشان می‌دهند بر اساس دیدگاه توحیدی قرآن کریم اهداف و اغراض گوناگونی دارند. در این مقاله تلاش شده تا با نگاهی گذرا به پدیده کرونا، برخی از اهداف و آثار این پدیده را از منظر قرآن کریم درباره رخدادهای قهرآمیز طبيعت مورد بررسی قرار دهیم و از این طریق، به پدیدارشناسی پدیده کرونا از منظر قرآن کریم بپردازیم.

**واژگان کلیدی:** کرونا، حوادث قهرآمیز طبیعی، پدیدارشناسی، قرآن کریم.

**مقدمه و طرح مسئله**

آزمایش و امتحان و ابتلاء الهی در موارد مختلفی بروز می‌کند و زندگی شخصی و گاه زندگی اجتماعی انسان را در برمی‌گیرد. امروزه با شیوع بیماری کرونا وجهه اجتماعی امتحان و ابتلاء الهی را به خوبی لمس می‌کنیم. حال باید به فلسفه و نقش تربیتی این امتحان و نقش آن در سازندگی معنوی انسان توجه کرد. بر این اساس سؤالات اصلی تحقیق عبارت است از اینکه: آیا منشأ بیماری‌های فراگیری مانند کرونا اگر هم ساخته دست بشر باشد، بازهم امتحان و حکمت الهی می‌توان تلقی کرد؟ اینکه خداوند در قرآن کریم چه منظور و مفهومی از امتحان بشری دارد؟ به طور کلی اهداف این ابتلای الهی در قرآن و آموزه‌های دینی و روایی چیست؟ نقش این امتحان‌ها در سازندگی و تربیت انسان‌ها چیست؟ نقش افراد در هنگام بروز امتحان‌های الهی و بلاهایی از قبیل بیماری کرونا چیست؟

پدیده‌های قهرآمیز طبیعی از جمله کرونا از زوایای گوناگون قابل مطالعه هستند. قرآن کریم، اما در تحلیل آنها زوایای پنهانی را مطرح می‌کند که معمولاً در حیات اجتماعی انسان به کلی مورد غفلت قرار می‌گیرد. قرآن چنین پدیده‌هایی را در راستای جهان‌بینی معرفت افزای توحیدی تحلیل کرده و فهمی متفاوت و عمیق را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. در این مقاله کوتاه به ابعاد مختلف تحلیل‌های قرآنی در راستای فهم پذیرتر کردن علل و عوامل وقوع این قبیل رخدادها خواهیم پرداخت. توحید ربوبی و عبادی در الگوی فکری و جهان‌بینی قرآن کریم ربوبیت پروردگار عالم همه کائنات را در قبضه قدرت خود دارد. هیچ چیز از تدبیر و مدیریت مقتدرانه و حکیمانه پروردگار عالم برکنار نیست. اساساً نظام موزون و روابط دقيق على و معلولی در طول و ذیل این ربوبیت معنا پیدا می‌کند. همین ربوبیت مطلقه است که توحید عبودی، اعم از عبودیت تکوینی مستفاد از کریمه: "تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَن فِيهِنَّ وَ إِن مِّن شىْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بحِمْدِهِ وَ لَاكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كاَنَ حَلِيمًا غَفُورًا " (اسراء: ۴۴) و نیز عبودیت تشریعی مطرح در آیه" وَ مَا خَلَقْتُ الجِنَّ وَ الْانسَ إِلَّا لِيَعْبُدُون‏" (ذاریات: ۵۶) را تفسیر می‌کند.

# واژه‌شناسی «ابتلاء»

کلمه ابتلاء مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال از ریشه بلاء است (ر.ک: موسوی نسب، 1385ش، ص15). و همچنین گفته اند: «ان الاصل الواحد فیها هو اایجادالتحول، ای التقلب و التحویل و هذا المعنی ینطبق یجمع مواردها و مصادیقها من دون ای تجوز او یتکلف فیها و اما المتحان و الختبار و الابتلاء و التجربه ........ فکل هذه معانی مجازیه و من لوازم الاصل و آثاره بحسب الموارد (ر.ک: مصطفوی، 1404ق، ج1، ص318). درباره واژه بلاء و ابتلاء تعاریف گوناگونی ارائه شده است. به طور کلی می‌توان گفت طبق نظر مصطفوی و راغب معنای اصلی بلاء دگرگونی و کهنه شدن است. اما معنای آزمایش و اختبار از معنای اصلی هستند.

بنابراین به غم و اندوه از آن سبب بلاء گویند که بدن را کهنه و فرسوده می‌کند (ر.ک: قریشی، 1371ش، ج1، ص291). در زمینه شناخت بهتر ابتلاء بهتر است بگوئیم ابتلاء در معنای امتحان و آزمایش، به این گونه است که شرایطی برای شخصی ایجاد می‌شود تا حالات و صفات باطنی و درونی او مانند اطاعت، عفت، سخاوت، صبر، ایمان، تقوا و میزان آن‌ها به نوعی مورد ارزیابی قرار بگیرد. آزمون‌های الهی به منظور کشف مجهولات نیست بلکه خداوند به امور نهانی دلها و به امور غیبی آگاه است (ر.ک: بیگلری، 1380 ش، صص 63-74).

گرفتاری ها و مصیبت‌ها و درگیری با برخی مشکلات جمعی مانند شیوع بیماری کرونا و مواردی از این قبیل در حقیقت مقدمه ای برای تکامل و پیشرفت انسان هستند. و همانطور که باری تعالی می فرماید: " لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فی‏ کَبَدٍ " (بلد: 4) یعنی: انسان را در رنج و سختی آفریده‌ایم. اگر این سختی‌ها نباشد بشر تباه می‌شود؛ انسان باید تمامی مشقت ها را بر دوش بکشد تا لایق هستی گردد (ر.ک: بیگلری، 1380ش، صص 63-74).

# منشأ بیماری‌ها در قرآن کریم

از منظر آیات قرآن کریم و روایات تفسیری اهل ‌بیت (علیهم السلام) می‌توان علل و منشأ شیوع بیماری‌ها و امراض مختلف را در چند دلیل کلی به شرح ذیل خلاصه کرد:

**الف) انسان و طبیعت**

از منظر قرآن کریم، منشأ برخی از بیماری‌ها و امراض، بی توجهی خود انسان‌ها به طبیعت خود و نیز طبیعت پیرامونی آنها در جهان خارج است. به عنوان نمونه در صورت عدم رعایت بهداشت فردی و جمعی، ابتلا به بیماری و شیوع آن دور از انتظار نیست؛ با این دیدگاه دیگر نمی‌توان این شیوع را صرفاً به خدا نسبت داد، بلکه او عادل و مهربان است و فرموده «إِنَّ اللَّهَ لا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَ لكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (یونس: 44)، یعنی خدا هرگز به مردم ستم نمی‌کند ولی مردم خود در حق خویش ستم می‌کنند. بنابراین برخی از بیماری‌ها به رفتار نادرست انسان با طبیعت باز می گردد.

**ب) آزمایش الهی**

از منظر قرآن کریم بیماری‌ها نوعی امتحان و آزمایش برای بشر هست؛ زیرا طبق آیه «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: 155) و البته شما را به پاره‌ای از سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم، و صابران را بشارت و مژده بده. خداوند متعال این مطلب را بیان کرده که انسان همواره در صحنه های مختلف مورد آزمایش قرار می‌گیرد. و این سنت الهی هیچ گاه تعطیل بردار نیست (ر.ک: طباطبایی، 1393، ج1، صص 352-361). خداوند متعال با رساندن «خوب» و «بد» انسان را مورد آزمایش قرار می‌دهد: « وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً » (انبیاء: 35). در حدیثی آمده است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بیمار شده بودند. تعدادی از یارانشان به عیادت ایشان رفتند. از ایشان پرسیدند: حالتان چطور است یا امیر! حضرت فرمودند شر است. گفتند این سخن شایسته مثل شما نیست! امام در پاسخ آنان با استناد به آیه مذکور فرمودند:«فالخیرُ الصحةُ و الغنی و الشّرُ المرضُ و الفقرُ ابتلاءٌ و اختِباراً». بر این اساس، امام، خیر را به سلامتی و بی نیازی و «شر» را به بیماری و فقر تفسیر کردند (ر.ک: مجلسی، 1385، ج81، ص309؛ مکارم شیرازی، 1368، ج 13، ص 405).

در همین راستا می‌توان گفت گاهی بیماری جهت بیداری از غفلت است. یعنی انسان را به مسیر درست هدایت می‌کند؛ زیرا غفلت از عوامل سقوط و از موانع تکامل انسان به سوی سعادت است (ر.ک: ﺭﺿﺎﯾﯽ و ﺣﺴﯿﻨﯽ ﮐﻮﻫﺴﺎﺭﯼ، صص 105-124) خداوند متعال می فرماید: وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا إِلى‌ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْناهُمْ بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ » (انعام: 42) پیامبر اسلام ابعاد آزمایش الهی در زمینه بیماری را اینگونه بیان کرده اند که : «إنَّ اللّه َ إذا أحَبَّ عَبدا أتحَفَهُ بِواحِدَةٍ مِن ثَلاثٍ : إمّا حُمّىً أو رَمَدٍ أو صُداعٍ» (ر.ک: کلینی، 1417ق، ج‏2، ص 256).

**ج) کفاره گناهان**

همچنین گاهی خداوند متعال برای از بین بردن آثار گناهان، انسان را به حوادث بلاها و بیماری‌های مختلف مبتلا می‌کند تا با لطف و کرم خود بخشی از گناه شخص گناهکار را در دنیا، قبل از فرا رسیدن زمان مرگ ازبین ببرد تا در آخرت گرفتار عذاب های شدید و دردناک نشود (ر.ک: خسروپناه، 1381، صص 73-76؛ مصباح یزدی، 1387، ص167؛ مطهری، 1372، ج1 و کتاب های عدل الهی، انسان و سرنوشت). امام علی (علیه السلام) بیماری را سبب کاهش گناه (ر.ک: ری شهری، ج1، ص147) و امام رضا (ع) آن را برای مؤمن مایه تطهیر و رحمت معرفی کرده است.

# سنت ابتلاء از دیدگاه قرآن کریم

سنت های ثابتی در زندگی انسان جریان دارد که اساسی ترین آنها سنت ابتلاء است. از این منظر ابتلائات گوناگون، انسان را در میان گرفته و لحظه ای نیست که آدمی محاط به نوعی از ابتلاء نباشد:" إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَليهِ فَجَعَلْناهُ سَميعاً بَصيرا " (انسان: 2). این سنت تعطیل بردار و تبدیل و تحویل پذیر نیست: " فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلاَّ سُنَّتَ الْأَوَّلينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْديلاً وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْويلاً " (فاطر: ۶۳) و غایت آن تربیت نفوس و نيل به مرتبه حسن فاعلی (ایمان) و حسن فعلی (عمل صالح) است: " الَّذِى خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الحْيَوةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُور " (ملک: ۲).

ابتلاء در اشکال گوناگونی جلوه می‌کند: " وَ لَنَبْلُوَنَّكُم بِشىْءٍ مِّنَ الخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابرِين‏ " (بقره: ۱۵۵) و این همه مبتنی بر اصل هدفمند بودن نظام خلقت و لزوم رشد و تعالی انسان است که جز در پرتو تزكيه و تربیت نفوس ممکن نیست. بر این اساس، آیات راهبردی ابتدای سوره عنکبوت می فرماید: " أَ حَسِبَ النَّاسُ أَن يُترْكُواْ أَن يَقُولُواْ ءَامَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ \* وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُواْ وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِين‏ " (عنکبوت: ۲-۳). بر این اساس قبض و بسط ها و فراز و فرودهایی که در حیات فردی و اجتماعی انسان رخ می‌دهد، مقدمه ای برای تربیت اوست و در این کارزار سخت، کسانی پیروزند که دست از اصول و ارزشهای الهی برنمی دارند و در برابر طوفان های سهمگین بلا و ابتلاء صبار و شکورند.

# آثار و نتایج سنن الهی در قرآن کریم

طبرسی درباره حکمت الهی می‌گوید: «ممکن است حکیم بودن خدا صفت فعل الهی باشد. در این صورت منظور از آن مدبری است که فعلش را محکم انجام داده و نیکو تدبیر کند. نیز ممکن است به معنای علیم بوده، از صفات ذات باشد» (ر.ک: طبرسی، 1425ق، ج1، ص393).

این تعریف طبرسی از حکیم بودن خداوند متعال این مطلب را القا می‌کند که صفت ذات بودن این است که موصوف دارای ویژگی است که جهل در آن راه ندارد. همچنین است که راغب اصفهانی در بیان معنی حکمت می‌گوید: حکمت، رسیدن به حق است از طریق علم و عقل. بنابراین حکمت خدا همان شناخت اشیاء و ایجاد آن‌ها در نهایت اتقان و استحکام از سوی اوست؛ اما حکمت انسان، شناخت موجودات و انجام کارهای خیر است و این همان است که قرآن به وسیله آن لقمان را توصیف می‌کند و می فرماید: " وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ... " (لقمان: 12) و اگر قرآن به حکیم بودن توصیف شده است، به جهت این است که مضتمن حکمت است (ر.ک: راغب اصفهاتی، بی تا، ج2، ص 54).

همچنین با توجه به تعاریفی که گذشت می‌توان گفت هیچکدام از حکمت‌های الهی عبث و بیهوده نیست؛ زیرا دارای هدف مشخص است. لغت شناسان در تعریف عبث می‌گویند: کاری که هیچ فایده‌ای برآن مترتب نیست «عبث» است؛ زیرا افعالی که ناشی از قوه تخیلی هستند و دارای غایت عقلانی نیستند، نمی‌توانند برای آدمی مثمر ثمر باشند. به همین سبب برخی عبث را به معنای لعب و بازی می دانند (رک: انیس ابراهیم و دیگران، 1374، ذیل ماده عبث). غایت عقلانی نداشتن افعال الهی به معنای عبث، لهو و باطل بودن افعال اوست، که قبیح و دور از شأن واجب تعالی است؛ در حالی که او واجب الوجود از همه جهات است. همچنین حکمت الهی از طریق اثبات علم و غنای الهی و هدفمندی حکمت باری تعالی قابل اثبات است (ر.ک: قاسمی، 1392 ش2، صص 121-145).

## غفلت زدایی و غرور شکنی

غفلت و غرور دو عامل دوری از یاد خدا و طغیان به حساب می آیند. به همین دلیل، قرآن کریم مرتبا انسان را نسبت به آنها هشدار می‌دهد. عبارت " مَتاعُ الْحَياةِ الدُّنْيا " در شش موضع قرآن و مضامین نهی از غرور و غفلت جمعأ ۲۶ بار در قرآن تکرار شده است (ر.ک: عبد الباقی، 1347ق، ص83) تا هشداری باشد که مبادا فرو رفتن در زندگی دنیا شما را غافل و مغرور به ظواهر فریبنده کند. بر این اساس پروردگار عالم از باب لطف و رحمت خود تلنگرهایی به انسان می زند. رخدادهای قهرآمیز طبیعت همچون کرونا تلنگرهایی هستند که انسان را از مرکب غفلت و غرور به زیر می کشند.

## تفهیم ضعف و عجز انسان

قرآن کریم پدیده‌های بزرگ و کوچک را به مثابه مظاهر قدرت پروردگار عالم مرتبا به رخ می کشد تا ضعف و عجز انسان را برای او امری وجدانی نماید و کوچکی خود را در برابر عظمت خالق فهم کند و دست از عصیان و رفتارهای کودکانه بردارد. ابتدا به مثابه یک اصل کلی می فرماید " وَ خُلِقَ الْانسَنُ ضَعِيفًا" (نساء: ۲۸) سپس در مواضع گوناگون مصادیقی را برای اثبات این ضعف به تصویر می کشد مانند" يَأَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُواْ لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن يخْلُقُواْ ذُبَابًا وَ لَوِ اجْتَمَعُواْ لَهُ وَ إِن يَسْلُبهْمُ الذُّبَابُ شَيْا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوب‏" (حج: ۷۳). قرآن به این روش تربیتی اشاره می‌کند که خداوند ابا ندارد به موجود ریز و ضعیفی چون پشه مثال بزند: " إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْىِ أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُواْ فَيَقُولُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَاذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِى بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِين‏" (بقره: ۲۶) تا ضعف و زبونی مثل و ممثل را آشکارتر سازد.

## عبرت گیری و بصیرت افزایی

دقت در دقایق و ریزه کاری های عالم و عبرت گیری از نظم حیرت انگیز آنها در جهت ارتقاء دانش توحیدی و رشد و کمال نفوس و تأکید بر قدرت خدا بر بازآفرینی خلایق در نشئه قیامت مورد توجه قرآن کریم قرار دارد. به مثابه نمونه قرآن کریم، مردم را به تأمل و تدبر در چهارپایان اطراف خود می‌کند که چگونه در بدن آنان از میان خوراک هضم شده و خون، شیری خالص و گوارا پدید می آید: " وَ إِنَّ لَكمْ فىِ الْأَنْعَامِ لَعِبرْةً نُّسْقِيكمُ مِّمَّا فىِ بُطُونِهِ مِن بَينِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَائغًا لِّلشَّرِبِين‏ " (نحل: ۶۶) و اشاره می‌کند به رویش میوه ها و احوال حیرت انگیز زنبورعسل (ر.ک: نحل: ۶۷-۶۸) و غیره که برای بینندگان به اموری عادی تبدیل شده اما تأمل در آنها بصیرت و بینش عمیقی را در انسان برمی انگیزد.

## زنده کردن روح شکرگزاری در برابر نعمتها

فتوحات معنوی انسان زمانی اتفاق می افتد که شکر نعمت های الهی را به جا آورد و معمولاً تا کسی به سختی و بلا دچار نشود چنین حالتی در او به وجود نمی آید. از این رو قرآن کریم می فرماید: اگر خداوند را بر نعمتهایش سپاس بگزارید و به او ایمان آورید او را با عذاب شما چه کار؟! : " مَّا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَ ءَامَنتُمْ وَ كاَنَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا " (نساء: ۱۴۷) و در قالب یک تمثیل، حکمت امواج بلا در زندگی انسان را ناسپاسی او نسبت به نعمت های الهی می داند : " وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كلِّ مَكاَنٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُواْ يَصْنَعُون‏ " (نحل: ۱۱۲).

## تضرع و تذلل در برابر پروردگار

قرآن کریم با لحنی تهدیدآمیز کسانی را که در سختی ها دست تضرع به سوی پروردگار عالم دراز نمی کنند مورد توبیخ قرار میدهد: " فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا تَضرَّعُواْ وَ لَكِن قَسَتْ قُلُوبهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَنُ مَا كَانُواْ يَعْمَلُون‏" (انعام: ۴۳). معلوم می شود یکی از حکمت های نزول بلاها و شداید ایجاد زمینه بازگشت به خدا و بندگی اوست چنانچه فرمود: " وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلىَ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَ الضرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضرَعُون‏ " (أنعام: ۴۲). تضرع یا از ریشه «ضَرَعَ» است به معنی تذلل ناشی از شدت فقر و نیاز و یا از ریشه «ضَرِعَ» است به معنی پستان حیوان شیرده و استعاره زیبایی برای اظهار نیاز کودک به پستان مادر هنگام گرسنگی است (ابن منظور، 1412ق، ص43) که با تمام وجود و زبان حال و قال و شیون و زاری به او التماس می‌کند. همین حالت باید در عبد و بنده وجود داشته باشد و تنها ملجأ و پناهگاه خود را خدای متعال بداند. این اتفاق نمی افتد مگر هنگام بلا و سختی چرا که آدمی در سختی ها فقر و نیاز خود به پروردگار غني بالذات تا بن دندان احساس می‌کند و هنگام خوشی و راحتی از یاد او غافل شده و بدمستی می‌کند. لذا شداید و سختیها زمینه ساز تقرب بیشترند و باید قدر آنها را دانست.

## تغییر نگاه نسبت به خیر و شر

محدودیت دید، خطاهای محاسباتی، ناتوانی در تشخیص مصالح و منافع واقعی، جهل نسبت به آینده، عافیت طلبی های زودگذر، تقابل نفس و عقل و بسیاری عوامل دیگر در نهاد پر تلاطم و نا آرام انسان از او موجودی ساخته است که تحت تأثیر عوامل روان شناختی پیچیده، بسیاری مواقع در تشخيص خیر و شر خود به خطا میرود و خواسته یا ناخواسته راهی می رود یا چیزی طلب می‌کند که خیر و صلاحش در آن نیست به طوری که اگر باطن امور را ببیند و آثار و تبعات واقعی آن را بداند هرگز آن راه را نمی رود و آن مطلوب را طلب نمی‌کند؛ یعنی چیزی را که شر می پندارد، خیرش در همان است چونان کودکی که داروی تلخ اما نافع برای درمان خود را پذیرا نیست.

قرآن کریم می فرماید آدمی همان طور که خیر را طلب می‌کند از روی عدم تعقل و شتاب زدگی، شتر را نیز طلب می‌کند: " وَ يَدْعُ الْانسَانُ بِالشرِّ دُعَاءَهُ بِالخْيرْ وَ كاَنَ الْانسَانُ عجَولا " (اسراء: 1۱). شبیه همین مضمون را در جای دیگر با ذکر یک مصداق عملی بیان می‌کند: " كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَ عَسىَ أَن تَكْرَهُواْ شَيًا وَ هُوَ خَيرٌ لَّكُمْ وَ عَسىَ أَن تُحِبُّوا شَيْا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنتُمْ لَا تَعْلَمُون‏ " (بقره: ۲۱۶) پدیده‌های قهرآمیز طبیعی نیز از این نگاه خطا آمیز بشری مستثنا نیست.

## نشانه غضب خدا نسبت به رویگردانی از حق

از منظر قرآن کریم، خیلی از بلاها و شرور نشانه خشم و غضب الهی در قبال اعراض از یاد او و طغیان موجودی است که به غلط خود را مستغنی از خدا می بیند: "كلاَّ إِنَّ الْانسَانَ لَيَطْغَى \* أَن رَّءَاهُ اسْتَغْنى " (علق: ۶-7). قرآن کریم تصریح می‌کند خداوند متعال فرعونیان متکبر خداستيز را با فرستادن بلاهایی نظیر طوفان، هجوم ملخ، قورباغه، حشرات و سیل خون مورد عذاب قرار داد تا خشم خود را نسبت به طغيانگرى آنان نشان دهد و بیدارشان نماید: " فَأَرْسَلْنَا عَلَيهْمُ الطُّوفَانَ وَ الجْرَادَ وَ الْقُمَّلَ وَ الضَّفَادِعَ وَ الدَّمَ ءَايَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبرُواْ وَ كاَنُواْ قَوْمًا مجُّرِمِينَ \* وَ لَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُواْ يَامُوسىَ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ لَئن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِننَّ لَكَ وَ لَنرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنىِ إِسْرَ ءِيل‏" (اعراف: ۱۳۳-۱۳۴)؛ سپس (بلاها را پشت سر هم بر آنها نازل كرديم:) طوفان و ملخ و آفت گياهى و قورباغه‏ها و خون را- كه نشانه‏هايى از هم جدا بودند- بر آنها فرستاديم؛ (ولى باز بيدار نشدند، و) تكبر ورزيدند، و جمعيّت گنهكارى بودند! هنگامى كه بلا بر آنها مسلط مى‏شد، مى‏گفتند: «اى موسى! از خدايت براى ما بخواه به عهدى كه با تو كرده، رفتار كند! اگر اين بلا را از ما مرتفع سازى، قطعاً به تو ايمان مى‏آوريم، و بنى اسرائيل را با تو خواهيم فرستاد!».

# جمع بندی

از دیدگاه قرآن کریم، پدیده کرونا و سایر پدیده‌های قهرآمیز طبیعت، چهره پدیدارشناسانه توحیدی دارند که در تحلیل‌های مادی گرایان مورد غفلت قرار می گیرد.

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت هدف از ابتلاء و آزمایش بشر، آگاه شدن و شناخت خدا نیست؛ بلکه هدف بروز استعدادهای فطری انسان برای رسیدن به آن غایت نهایی خلقت است؛ در این زمان ویروس کرونا فارغ از هر بحثی، یک آزمایش الهی جهانی است؛ چه عامل آن طبیعت الهی باشد و چه اعمال بشر؛ ظلم و جنایت بشر مانند سر بریدن بنی اسرائیل توسط فرعونیان یک آزمایش الهی بوده است. همچنین با توجه به تعریفی که از واژه‌های حکمت و ابتلاء ارائه گردید، معلوم شد با توجه به بیان فلسفه امتحان و ابتلاء این دو لازمه زندگی بشر هستند و بدون آزمایش و امتحان الهی بشر تکامل نخواهد یافت. همه‌ی افراد در این آزمایش الهی حضور دارند و حتی می‌توان گفت مقرب ترین افراد نزد خداوند آزمایش سخت تری دارند. فلذا طبق آیات قرآن و متون دینی و احادیث متعدد بیان شد که، راهکار برون رفت موفقیت آمیز از این آزمایشات توجه به نکات بیان شده توسط آیات و روایات است که در نهایت می‌توان نتیجه گرفت یکی از مهم ترین عوامل موفقیت انسان در مسیر تکامل و هدایت مسأله صبر و خودشناسی است. در مراجعه به آیات قرآن کریم به این نتیجه می رسیم که ظهور و بروز این پدیده ها در چارچوب اصول خداشناختی و تربیتی زیر دارای فواید ذیل است: غرور شکنی و غفلت زدایی، تفهیم ضعف و عجز انسان، عبرت گیری و بصیرت افزایی، زنده کردن روح شکرگزاری در برابر نعمتها، بازگشت به خدا و تضرع، تغيير نگاه نسبت به خیر و شر، و در نهایت خشم خدا نسبت به رویکردانی از حق.

**منابع و مآخذ**

* قرآن کریم
* ابن فارس، احمدبن زکریا، (1404ق) **معجم مقاییس اللغة**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
* طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، ( 1425ق)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
* انصاریان، حسین، (1389ش)، **صبر از دیدگاه اسلام سیری در معارف اسلامی**، قم: انتشارات دارالعرفان.
* انیس ابراهیم و دیگران، (1374ش)، **المعجم الوسیط**، تهران: بی‌نا.
* بیگلری، مجتبی، (1380ش)، **حکمت آزمون‌های الهی درقرآن**، نشریه مقالات و بررسی ها، شماره 70، صص63-74.
* خسروپناه، عبدالحسین،(1381ش) **انتظارات بشر از دین**، قم:مرکز اطلاعات و پاسخگویی به شبهات.
* راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (1412ق)، **المفردات** **فی** **غریب** **القرآن**، دمشق بیروت: دارلعلم الشامیه.
* ری شهری، محمد،(1394ش)، **دانشنامه احادیث پزشکی**، چاپ14، ثم: دارالحدیث.
* طباطبايي، محمد حسين، ( 1374ش) **ترجمه تفسير الميزان‏،** موسوى همدانى سيد محمد باقر، قم‏: دفتر انتشارات اسلامى جامعه‏ى مدرسين حوزه علميه قم.
* فراهیدی، خلیل بن احمد، (1367ش)، **کتاب العین**، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
* قریشی، سیدعلی اکبر،(1371ش)، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، دارالکتب السلامیه.
* کلینی، محمدبن یعقوب؛ ، (1407ق)، **الكافي،** تهران: نشر دار الكتب الإسلامية.
* مجلسی، محمدتقی، (1385ش)، **بحارالانوار الجامعة لدُرر اخبار الائمة الاطهار** ، تهران: المکتبه الاسلامیه.
* مصباح یزدی، محمد تقی، (1387ش)، **آموزش عقاید**، قم: بین الملل.
* مصطفوی، حسن**،** (1404ق)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
* مطهری، مرتضی، (1352ش)، **عدل الهی**، تهران: انتشارات صدرا.
* مطهری، مرتضی، (1372ش)، **مجموعه آثار**، تهران: صدرا.
* مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (1368ش)، **تفسیر نمونه**، چاپ پنجم، قم: دارالکتب.
* موسوی نسب، سیدجعفر، (1385ش)، **ابتلاء و آزمایش انسان در قرآن**، چاپ اول، قم: نشر ارزشمند.
* نوری، حسین، (1408ق)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
* همدانی، مصطفی، (1397ش)، **رویکرد توحیدی پیامبر اسلام به بیماری**، تهران: نشریه دین و سلامت شماره 2، صص 63-72.
* عبد الباقي، فؤاد، (1427ق)، **المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم**، بیروت: دارالعلم.

1. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب؛([na\_taheri@yahoo.com)؛](mailto:na_taheri@yahoo.com)؛) نویسنده مسئول(سخنران). [↑](#footnote-ref-1)
2. دانش آموخته دکتری علوم قران و حدیث؛ دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس دانشگاه مذاهب اسلامی؛(sotaheri@gmail.com). [↑](#footnote-ref-2)